جلسه بیستم: 14/9/1391

نکات جدیدی از سوال کلی این که آیا موارد عموم خصوص من وجه اساساً داخل در اخبار علاجیه هست یا نیست؟

برای عدم دخول عموم خصوص من وجه در اخبار علاجیه چند تقریب می شود ذکر کرد:

1. تقریبی که ما عرض کردیم و در موردش بحث کردیم که مواردی که جمع عرفی و لو غیر متعین داشته باشد این عنوان مختلفین و لو علی الاطلاق صدق نمی کند که بحثش گذشت.
2. تقریباتی در کلام مرحوم امام است که بعداً در موردش صحبت می کنیم.
3. تقریبی که در کلام آقای صدر مطرح شده است والان بیشتر می خواهم درموردش صحبت کنیم.
4. مرحوم نائینی برای عدم شمول یک تفصیلی قائل شده است که بین مرجح صدوری و بین مرجح غیر صدوری فرق گذاشته وگفته است مرجحات غیر صدوری داخل اخبار علاجیه هستند ولی مرجح صدوری داخل نیستند.تقریبشان این است که چرا مرجح صدوری داخل در اخبار علاجیه نیستند؟می فرمایند اگر دو دلیل داشته باشیم که عامین من وجه باشند شما این مرجح صدوری را یا نسبت به تمام مدلول دلیلِ راجح اعمال می کنید و دلیل مرجوح را به طور کامل کنار می گذارید. یا اینکه ترک دلیل مرجوح را به موضع اجتماع اختصاص می دهید یعنی درمورد اجتماع به دلیل راجح اخذ می کنید در مورد افتراق هر دو دلیل را اخذ می کنید، ، خب اگر بخواهید دلیل مرجوح را به طور کامل کنار بگذارید این بلا وجه است تعارض ما در ماده اجتماع است، درماده افتراق که این ها تعارض ندارند، چه دلیلی دارد که شما در ماده افتراق هم دلیل مرجوح را کنار بگذارید؛ اما اگر گفتید که نه، دلیل مرجوح را در ماده اجتماع اخذ می کنیم و در ماده افتراق کنار می گذاریم این که تفکیک بین یک دلیل و دلیل دیگر از جهت صدوراست ، و این درست نیست چون این دلیل یا صادر شده است و یا صادر نشده است اگر صادر شده است باید اخذ کنید و اگر صادر نشده است نباید اخذ کنید و این تفکیک معنا ندارد. این تقریبی است که مرحوم نائینی مطرح کرده است.

آقای صدر این تقریب را قبول نمی کند و در موردش بحث هایی می کند که من حالا وارد بحث های مرحوم نائینی نمی شوم . ایشان می گوید که اصلاً بلا وجه بودن وجهی ندارد و توجیهاتی طبق مبانی خودش دارد که چون ما خیلی با آن توجیهات موافق نیستیم وارد آن بحث ها نمی شویم.

خود مرحوم صدر می فرماید : این تفکیک آقای نائینی بین مدلول های دلیل واحد از جهت صدور امکان پذیر نیست، ثبوتاً امکان پذیر است اما باید اثباتاً بحث کرد که آیا اخبار علاجیه شامل می شود یا نمی شود؟

ثبوتاً به همان بیانی که دیروز هم عرض کردم ایشان می فرماید که راوی ای که کلام امام را نقل می کند یک شهادت ایجابیه دارد و یک شهادت سلبیه دارد و محط تعارضشان شهادت سلبیه است بنابراین مانعی ندارد شارع شهادت سلبیه را از اعتبار انداخته باشد و شهادت ایجابیه را معتبر دانسته باشد و همان شهادت ایجابیه منشا می شود که عامین من وجه در ماده افتراق حجت باشند و در ماده اجتماع از حجیت بیفتند. بنابراین تفکیک ثبوتاً مانعی ندارد.

اما مشکل مشکل اثباتی است، مشکل اثباتی هم به این بیان می فرمایند که شما یک وقت می خواهید اخبار علاج را به خود شهادت سلبیه تطبیق بدهید: بگوئید این شهادت سلبیه ای که وجود دارد مشمول اخبار علاج است ولی اخبار علاج موضوعش شهادت ایجابین است و شهادت سلبیه موضوعش نیست. اما اگر بخواهید به حدیث، به شهادت ایجابیه یا مجموع شهادت ایجابیه و سلبیه یعنی عنوان این که حدیث اصلاً صادر شده است، آن را محط تعارض قرار بدهید آن را داخل در موضوع اخبار علاج قرار بدهید یا بفرمائید که حدیثی که به نحو عامین من وجه هستند محط بحثند خب لازمه این حرف این است که دلیل مرجوح به طور کامل کنار برود در حالی که ظهور سیاقی اخبار علاج این است که دلیل مرجوح به طور کامل نمی خواهد آن را از بین ببرد بلکه در صدد علاج تعارض و اسقاط دلیل مرجوح به مقدار تعارض است یعنی نمی خواهد بیشتر از مقدار تعارض اسقاط کند، پس بنابراین نتیجه اش این می شود که اصلاً عامین من وجه را شامل نشود.

و بعد کلام مرحوم نائینی را توجیه می کند و می فرماید منظور ایشان این است و می گوید: با این تقریب بعضی از اشکالاتی که قبلاً به مرحوم نائینی کردیم مرتفع می شود.

حالا چکیده کلام آقای صدر که ممکن است به خاطر حذف بعضی قسمت هایش با ابهام روبرو بشود کسانی که بخواهند کاملتر ببینند به کلام خود شهید صدر مراجعه کنند.

ما در دو مرحله می خواهیم بحث کنیم:

1. بحث ثبوتی که ایشان کرده اند.
2. بحث اثباتی که ایشان کرده اند.

قبل از این لازم است این نکته را عرض کنم که این که تفکیک بین مدلول یک شیء یعنی شهادت ایجابیه و شهادت سلبیه و این تقریبی که ایشان بیان کرده است چکیده اش در کلام آقای امام هم هست اما نه به بیان آقای صدر، بیانش فرق می کند ولی اصل مطلب در بیان مرحوم امام هم هست.

مرحوم آقای صدر در مرحله ثبوت می فرمایند : آن چیزی که منشا شده است که دلیل عامین من وجه ظهور داشته باشد در شمول نسبت به ماده اجتماع، آن شهادت سلبیه است بنابراین تعارض فقط در دائره شهادت سلبیه داخل است.

 این جا ما عرضی داریم که نه، صرف شهادت سلبیه منشا تعارض نیست این چهار تا شهادتی که ما داریم هر راوی شهادت می دهد که این دلیل صادر شده است و قیدی که ماده اجتماع را خارج کند هم نبوده است، هر راوی یک شهادت ایجابیه و یک شهادت سلبیه دارد که مجموعاً چهار تا شهادت این جا وجود دارد، دو ایجابیه و دو سلبیه؛ این چهار تا همه داخل در محط تعارض هستند و هر چهار تا این وسط مؤثر است.

چون اولا ظهور دلیل در شمول نسبت به ماده اجتماع فقط به خاطر این شهادت سلبیه نیست شهادت ایجابیه هم دخالت دارد، اگر شهادت ایجابیه نباشد ظهور درماده اجتماع ندارد و تعارضی هم ندارد. یعنی آن چیزی که منشا تعارض شده است فقط شهادت سلبیه نیست بلکه آن شهادت ایجابیه هم دخالت دارد، شاهدش هم این است که هر یک از شهادت های ایجابیه را رفع ید کنید تعارض از بین می رود، در واقع آن چیزی که ظهور در شمول در ماده اجتماع را ایجاد کرده است هم شهادت ایجابیه است به عنوان جزء موضوع، و هم شهادت سلبیه است البته شهادت سلبیه در طول شهادت ایجابیه است. ولی طولیّت باعث نمی شود که آن را از دائره تعارض خارج کند؛ بله ما یک زمانی یک مطلبی را می خواستیم مدعی بشویم که بگوئیم که عرفاً در امور طولی ، عرف در تعارض تقدم رتبی را ملاک قرار می دهد و آنچیزی را که در رتبه متاخر است ملاک قرار می دهد ولی آن بیان هم اگر درست باشد \_بعید هم نیست که درست باشد\_، در ما نحن فیه نمی آید. چون در واقع ما چهارتا شهادت داریم؛ شهادت ایجابیه هر دلیل با شهادت سلبیه دلیل دیگر تعارض دارد، نه با شهادت سلبیه خودش، و شهادت سلبیه دیگر در طول شهادت ایجابیه این دلیل نیست اگر هم تقدم رتبی را در نظر بگیریم جایش این جا نیست.

به هر حال هر کدام دخالت در ایجاد ظهور دارد، و غرض هم این است که آن چیزی که تعارض دارد این است که این شهادت ایجابیه باشد به علاوه آن شهادت سلبیه که خودش دارد؛ با شهادت ایجابیه و سلبیه تعارض دارند. هر شهادت ایجابیه، شهادت سلبیه مربوط به خودش در طول است. ولی این ها که با هم تعارض ندارند هر شهادت سلبیه با شهادت ایجابیه دلیل دیگر تعارض دارند و اینها که در طول هم نیستند. آن بیانی هم که ماداشتیم در این جا ها نیست.

بنابراین این بیان مرحوم آقای صدر که در اینجا محط تعارض فقط آن شهادت های سلبیه است درست نیست. البته مانعی ندارد شارع فقط شهادت سلبیه را نفی کند . این نکته دخالت در اشکال ثبوتی ندارد، این اشکال در واقع و ثبوت مانعی ندارد که شارع فقط شهادت های سلبی را از اعتبار انداخته باشد و لو هم شهادت ایجابیه و هم شهادت سلبی در تعارض دخالت دارند ، ولی مانع ندارد که شارع فقط شهادت های سلبیه را از اعتبار انداخته باشد، اشکال ثبوتی ندارد ولی این بحث در بحث اثباتیش دخالت دارد ، یعنی اشکالی که ما این جا می خواهیم بکنیم به خاطر دخالتی است که در بحث اثباتی دارد.

در بحث اثباتی، با توجه به این که هر چهار شهادت داخل در محط تعارض هستند، یعنی ما می دانیم که هر چهار تا صادق نیست و اگر یکی از این ها را برداریم مشکل حل می شود، در واقع آن بیانی که آقای صدرفرموده است شهادت های سلبیه فقط محط تعارض هستند این مقدمه است که در بحث اثباتی بفرمایند که اگر بخواهد حدیث به کامله ساقط بشود وجهی ندارد چون محط تعارض فقط شهادت سلبی است و شهادت ایجابیه چرا ساقط بشود.

خب با این اشکالی که این جا مطرح کردیم می گو ئیم اشکال اثباتی هم بر طرف می شود این که شما می فرمائید این دو حدیث نمی تواند به طور کامل بر طرف بشود به دلیل این که محط تعارض فقط شهادت سلبیه است دیگر شهادت ایجابیه چرا از کار بیفتد. چون این یکی از اشکالاتی اثباتی بود دیگر، ظهور سیاقی دلیل علاج این است که فقط در مقام اسقاط دلیل مرجوح به مقدار تعارض است.

خب با این بیانی که عرض کردیم اشکالش واضح می شود که نه، آنچیزی که در محل تعارض است هم شهادت ایجابیه و هم شهادت سلبیه است. می شود همه اش از کار بیفتد و مانعی ندارد. این یک بیان، که برای اثبات عدم شمول اخبار علاج کافی نیست.

حالا فرض می کنیم که محط تعارض فقط شهادت سلبیه است آن بیان ایشان را می پذیریم که تعارض فقط به شهادت سلبیه مربوط می شود آیا باز اشکال اثباتی ایشان وارد است یا نه؟

به نظر می رسد که اشکال اثباتی ایشان بنابر این فرض هم درست نیست؛چطور؟

این مطلبی که می خواهم بگویم مطلبی است که من وقتی داشتم کلام مرحوم امام را مطالعه می کردم به نظرم رسید که ایشان می خواهد یک همچنین حرفی را مطرح کنند، البته از الفاظش درست این مطالب به دست نمی آید ولی شاید شبیه این مطلب در ذهن ایشان بوده است که شاید الفاظش قاصر بودند. آن مطلب این است:

اخبار علاجیه مثلاً می گوید: شما خبر اوثق را بگیرید، اوثق دو تا شهادت دارد، یک شهادت ایجابیه دارد و یک شهادت سلبیه دارد، ثقه ای که اوثق نیست آن هم دو تا شهادت دارد، شارع می گوید این شهادت اوثق را بگیر و حدیث او را اخذ کن، و حدیث ثقه را اخذ نکن؛ یعنی مجموع دو تا شهادت اوثق را بگیر، هم بگو صادر شده است هم بگو که با قید صادر نشده است. هر دو را اخذ کن.

غیر اوثق را می گوید قبول نکن، یعنی این مجموعه را قبول نکن، یعنی مجموع من حیث المجموع را بگو این گونه نیست که این شکلی صادر شده باشد.

مرحوم امام یک همچنین تعبیری در کلامشان است : که شارع می گوید بگو خبر اوثق به این نحو صادر شده است این تعبیر در کلام مرحوم امام است.

عرض ما این است که اوثق که می گوید به طور کامل صادر شده است و به همین نحو صادر شده است هم شهادت ایجابیه اش و هم شهادت سلبیه اش را بپذیر، در مورد شهادت ثقه نمی گوید هر دو شهادتش را نفی کن، می گوید هر دو شهادتش را قبول نکن، نفی المجموع با نفی الجمیع فرق دارد، می گوید این مجموع من حیث المجموع را قبول نکن، درست، اگر این مجموع من حیث المجموع را قبول نکن . این مطلبی که ایشان مفروض دانسته است که یک ظهور سیاقی دارد که فقط به مقدار تعارض می خوا هد اسقاط کند و فرض این است که محط تعارض هم فقط شهادت سلبیه است. نتیجه اش این می شود که فقط شهادت سلبیه اش ساقط می شود شما مفروض گرفته اید که اخبار علاج نسبت به خبر مرجوح تمام اجزائش را می خواهد ساقط کند یعنی اعتبار تمام اجزائش را می خواهد ساقط کند. این نمی شود.

 ما می گوئیم نه اعتبار مجموع را، می گوئیم این مجموع من حیث المجموع را نگو معتبر است که این تعبیر هم می تواند این باشد که شهادت ایجابیش را نفی کن، و هم شهادت سلبیش را نفی کن، و شما می گوئید که محط تعارض شهادت سلبیه است و آن موردی که محط تعارض است باید اسقاط بشود. عیب ندارد همان هم باید اسقاط بشود، نتیجه بحث این می شود که ما از حدیث اوثق ، هم شهادت ایجابیش را اخذ می کنیم و هم شهادت سلبیش را اخذ می کنیم و از حدیث غیر اوثق فقط شهادت ایجابیه اش را اخذ می کنیم، نتیجه اش چه می شود؟ در ماده افتراق به حدیث ثقه اخذ می کنیم، مشکلی نیست، یعنی مشکل سر این نیست که اوثق را کامل اخذ کنیم یا نکنیم؟ مشکل این است که بخواهیم حدیث ثقه را کامل کنار بگذاریم، اگر از حدیث ثقه قسمتی از مدلولش را که نسبت به ماده افتراق است آن را اخذ کنیم فرض این است که مشکل بر طرف می شود. پس بنابراین این فرمایشات برای نفی عموم و خصوص بیانات درستی نیست.

مرحوم امام این جا یک بیان دیگری دارد، ایشان می فرماید که عامین من وجه داخل در اخبار علاجیه نیست دو تا تعبیر در کلام امام است که این دو تعبیر هر دو را با هم دیگر به کار می برد، هر دو را به نحو تبادلی کار می برد ولی این دو تعبیر با هم فرق دارند.

1. ظهور اخبار علاجیه، موضوعش حدیثین مختلفین و متعارضین است، حدیثین مختلفین و متعارضین ظاهرش تخالف به قول مطلق است و تخالف به قول مطلق در جایی است که دو تا دلیل در تمام المدلول با هم دیگر تعارض داشته باشند ولی اگر در تمام المدلول با هم دیگر تعارض نداشته باشند این تخالف و اختلاف به قول مطلق صدق نمی کند این یک بیان، که به خود این که «تخالف صدق می کند یا نمی کند؟ اختلاف در این ها اختلاف در جمیع مدلول است یا نیست؟» کار دارد.
2. بیان دیگر : ظاهر اخبار علاجیه این است که یک دلیل را به طور کامل کنار بگذارید، دوران امر در جایی است که این حدیث را به طور کامل اخذ کنید یا این دلیل را به طور کامل طرح کنید. اخبار علاجیه در جایی است که ما یا باید این دلیل را به طور کامل اخذ کنیم یا باید این دلیل را به طور کامل طرح کنیم، اما در جایی که دوران امر بین این است که از هر دو دلیل باید قسمتی را اخذ کنیم بحث این است که یک قسمتی از این دلیل را به کدام بدهیم این ظاهر اخبار علاجیه نیست، در این بیان ظاهرش این است که به محمول کار دارد نه به موضوع؛ و این بیان با بیان قبلی متفاوت است.

البته هر دو جهت حالا چه بیان اول و چه بیان دوم، یک ادعایی است که ایشان فرمودند که انصراف دارد به جایی که در تمام المدلول تخالف داشته باشند یا جایی است که باید تمام المدلول را کنار گذاشت یا تمام المدلول را باید اخذ کرد؛ بیانی ذکر نکرده اند که چرا اخبار علاجیه اختصاص به آن مورد دارد.

آقای صدر یک بیانی ذکر کرده اند که یک ظهور سیاقی است که در صدد علاج تعارض و اسقاط تعارض به مقدار دلیل است و حالا درست یا نادرست باشد به هر حال بیانی داشتند. ولی در فرمایش مرحوم امام من بیانی ندیدیم.

اصل این بیان را من خیلی وارد نمی شوم چون بحث استظهاراتی است که برخی ممکن است این استظهار را بپذیرند و عده ای شاید نپذیرند خیلی روی این مطلب نمی شود بحث کرد.

اگر این گونه قواعد مثل مثبتیت و واسطه خفی و ظهور و انصراف امثال این ها به درک وجدانی بر نگردد قابل تکلم نیست، نمی شود در یک گفتگو و مناظره چندان مطرح کرد. چیزی که هست این است که منبِّهاتی آورد که طرف بفهمد یک ظهوری دارد.

به خصوص تقریب دومی که ایشان فرموده اند که یا باید همه را طرح کنیم یا باید همه اخذ کنیم این مبتنی بر یک سری مقدماتی است که آن مقدمات را ایشان اصلاً بحث نکردند. در کلام آقای صدر عرض کردیم مبتنی بر این است که محط تعارض فقط مثلاً ماده اجتماع باشد ولی اگر شخص گفت که اخبار علاجیه می گوید:از خبر عامین من وجه، آن چیزی که مرجوح است کاملاً کنار بگذار ، بگوئیم خبر مرجوح را در تمام مدلول کنار بگذار، اگر مفاد اخبار علاجیه کنار گذاشتن حدیث به طور کامل باشد؛ این را باید بحث کرد که آیا مفاد اخبار علاجیه کنار گذاشتن دلیل به تمامه است یا قسمتی از دلیل است. اگر قسمتی از دلیل است آیا قابل تفکیک است یا نیست؟ این بحث هایی که ایشان خودشان بعداً بحث کرده اند.

ایشان بدون ضمیمه کردن یک سری مقدماتی که در کلام آقای صدر آمده،طرح بحث کرده اند؛ یک مقدار مقدمات مفقود دارد، کأنَّ ایشان مفروغٌ عنه گرفته اند که اگر اخبار علاجیه عامین من وجه را بگیرد فقط در ماده اجتماع می گیرد، و چون ظاهر اخبار علاجیه این است که یک دلیل را می خواهد کامل مردود کند و یک دلیل را کامل قبول کند این را نمی گیرد.

ایشان علاوه بر عموم و خصوص من وجه، دو سه مورد را هم اضافه می کنند، می گویند تعارض بالعرض داخل در اخبار علاجیه نیست، اگر یک عامی باشد و دو تا خاص وجود داشته باشند که خاصین مستوعب عام بشوند این ها هم از اقسام تعارض بالعرض هستند و داخل در اخبار علاجیه نیست. این مجموعه ای بود که بحث های مهمی دارد.